

مغالطه بر اثر عوامل روانی (۱ از ۲)

به سوالات زیر دقت کنید:

- آیا در نظر مردم نحوه ی لباس پوشیدن یک پزشک و میزان دارویی که تجویز می کند، در میزان حاذق بودن وی تاثیر دارد؟

- هنگامی که خریدار در خرید کالایی مردد است، فروشنده مدعی می شود که اتفاقا خود وی یا بستگانش نیز در منزل از همان کالا استفاده می کنند، چه تاثیری در انتخاب مشتری دارد؟

اینها نمونه هایی از تاثیرات روانی به ذهن انسان اند. متاسفانه بسیاری از انسان ها بیشتر تحت تاثیر عوامل روانی همچون تملق، ترس، تطمیع و مانند آن قرار می گیرند تا تحت تاثیر استدلال.

در طول زندگی جملات مختلف در زرق و برق های احساسی و روانی پیچیده و سپس به ما عرضه می شود.

انسان اندیشمند باید بتواند مطلب اصلی را از لا به لای این امور فرعی بیرون بکشد و به دور از احساسات، درباره ی آن قضاوت کند. تاثیر امور روانی به حدی است که در مواردی برای مطالب غلط دلیل تراشی کند.

در ادامه با چهار نوع از مغالطه های فکری که از طریق تاثیر روانی صورت می گیرد آشنا می شویم.

این چهار نوع مغالطه عبارتند از:

۱- مغالطه ی مسموم کردن چاه.

۲- مغالطه ی تله گذاری.

۳- مغالطه ی توسل به احساسات.

۴- مغالطه ی بزرگ نمایی و کوچک نمایی.

مغالطه ی مسموم کردن چاه

در این نوع مغالطه، فرد مغالطه گر بدون ذکر دلیل، ویژگی های نامناسب و ناشایستی را به نظریه ای یا پیروان آن نسبت می دهد؛ به نحوی که کسی جرات نکند به آن نظریه توجه نماید و آن را بپذیرد.

در عامیانه به این روش « هندوانه زیر بغل گذاشتن » می گویند.

مثال: شخصی بدون استدلال معتبر، می گوید: تنها یک ترسو می تواند به این نظر معتقد باشد.

مغالطه ی تله گذاری : بیان ویژگی های شایسته و مثبت یک نظر.

مغالطه ی مسموم کردن چاه : بیان ویژگی های منفی و ناشایست یک نظریه.

مغالطه ی تله گذاری

این مغالطه نقطه ی مقابل مغالطه ی مسموم کردن چاه است؛ زیرا مغالطه ی مسموم کردن چاه با بیان ویژگی های ناشایست یک نظریه، افراد را از پرداختن و پذیرش آن نظریه دور می کنند، اما در مغالطه ی تله گذاری با بیان ویژگی های مثبت و شایسته برای نظریه ای باطل و قائلان به آن نظریه، برای افراد تله می گذارند تا به سمت قبول و گرایش به این نظریه بیایند.

مثال: شخصی بدون ذکر دلایل کارآمد بودن طرح خود می گوید: هرکس درک عمیقی داشته باشد تایید می کند که طرح من بسیار کارآمد است.

مدرسه مجازی اینو